

سه شنبه 11 تیر 1398 - 28 شوال 1440 - 2 جولای 2019

رحلت حکیم، عارف و فیلسوف شهیر "آخوند ملامحمد کاشانی" (1294 ش)



رحلت حکیم، عارف و فیلسوف شهید "آخوند ملامحمد کاشانی" (1294 ش)، آخوند ملا محمد کاشانی (کاشی)، عارف، فیلسوف، حکیم، فقیه و عالم شیعی در سال 1213 ش (1250 ق) در کاشان به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش پشت سر گذاشت. وی پس از آن راهی اصفهان گردید و حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن نوری و محمدرضا صهبای قمی و آملی آموخت تا بدانجا که در علوم عقلی به کمال رسید. آخوند ملامحمد کاشانی از آن پس در مدرسه جده کوچک و مدرسه صدر اصفهان به تدریس علوم عقلی پرداخت و جاذبه درس ایشان که فلسفه را با عرفان می آمیخت، علاقمندان به فلسفه، به ویژه فلسفه ملاصدرا را از شهرهای دور و نزدیک و حتی از کشورهای دیگر به اصفهان می کشاند. آخوند کاشانی در طول دهه 1280 ش، سال تدریس، شاگردان فراوان و فاضلی پرورش داد که حضرات آیات: سیدحسین بروجردی، شیخ محمد حکیم خراسانی، حاج آقا رحیم ارباب، سید محمدرضا خراسانی، آقا ضیاءالدین عراقی، طرب اصفهانی، آقا نجفی قوچانی، شیخ هاشم قزوینی و میرزا ابوالقاسم محمد نصیر شیرازی از آن جمله اند. آخوند علاوه بر فقه و اصول و حکمت، در ادبیات عربی و فارسی و ریاضیات نیز تبحر داشت. این فیلسوف و مدرس بزرگ فلسفه صدرالمتألهین، سرانجام پس از عمری سرشار از تدریس و نشر فلسفه و عرفان در یازدهم تیرماه 1294 ش برابر با بیستم شعبان 1333 ق در هشتاد و یک سالگی در اصفهان وفات یافت و در قبرستان تخت فولاد اصفهان که مدفن بزرگان بی رستم است، به خاک سپرده شد.

شهادت عالم مجاهد و فقیه نستهم آیت الله "محمد صدوقی" (ح.م.م. ش. 1361) ش. آیت الله محمد صدوقی در سال 1287 ش برابر با 1327 قمری در یزد دیده به جهان گشود. خانواده شهید صدوقی از نواده های مرحوم شیخ صدوق می باشند و پدر او یکی از روحانیون معروف یزد بود. آیت الله صدوقی مقداری از تحصیلات خود را در یزد و اصفهان گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمود. وی به مدت 21 سال در قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و از محضر عالمان نامداری همچون شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سیدصدرالدین صدر، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجت کوه گمره ای و حضرت امام خمینی (ره) بهره برد. پس از درگذشت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس و مدیر حوزه علمیه قم، اداره قسمتی از حوزه علمیه به شهید صدوقی واگذار شد. با رسیدن سال 1330 ش و فوت عالم بزرگ دینی یزد، با درخواست مردم و توصیه حضرت امام و بزرگان به آیت الله صدوقی، ایشان به یزد بازگشت و به انجام وظایف دینی و انقلابی پرداخت. این عالم ربانی از آغاز مبارزات حضرت امام خمینی (ره) چه پیش از قیام 15 خرداد و چه پس از آن، همواره از یاران و مروجان افکار متعالی حضرت امام محسوب می شد. این شخصیت والامقام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از طرف مردم یزد، برای تدوین قانون اساسی راهی مجلس خبرگان شد و در راه تثبیت اصل ولایت فقیه، تلاش فراوانی از خود نشان داد. ایشان همچنین به عنوان نماینده امام و امام جمعه یزد برگزیده شد و به روشنگری و ارشاد مردم همت گماشت. سرانجام آیت الله محمد صدوقی در روز 11 تیر 1361 مطابق با دهم ماه مبارک رمضان سال 1402 ق، پس از ادای نماز جمعه در حالی که جایگاه را ترک می کرد، منافقی با به آغوش کشیدن آن بزرگوار و منفجر کردن نارنجکی که در دست داشت، ایشان را در خون خود غوطه ور ساخت. در این ترور که در ادامه سیاست و روش پلید منافقین کوردل جهت حذف فیزیکی چهره های فعال، مؤثر و شاخص انقلاب اسلامی صورت گرفت آن شهید بزرگوار که به حق، شیخ الشهداء و چهارمین شهید محراب نامیده شده است، به آرزوی دیرین خود رسید و به معراج خود که شهادت بود، دست یافت.

تولد "سنابه، غزنوی" عارف و شاعر، نگارنده (473 ق)، ابوالمجد مجذوب بن آدم سنایی غزنوی، شاعر بلند مرتبه ای ایرانی و عارف مشهور و از استادان مسلم شعر فارسی است که در غزنین به دنیا آمد. وی در آغاز جوانی، شاعر دربار و مداح سلطان مسعود و بهرام شاه غزنوی بود. ولی بعد از سفر به خراسان و اقامت چندساله در آن دیار و دیدار با مشایخ تصوف، تغییرات شگرفی در او به وجود آمد و کارش به زهد و انزوا و تأمل در حقایق عرفانی کشید. بروز شخصیت اصلی سنایی از این اوان صورت گرفت و در این دوره به سرودن قصاید معروف خود در زهد و وعظ و عرفان و ایجاد منظومه های حقیقه و طریقه تحقیق و سیرالعباد و... توفیق یافت و نخستین بار، قصائد و منظومه های خاصی را به بحث در مسایل عرفانی اختصاص داد. تأثیر اشعار سنایی در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع و تجدد در آن غیر قابل انکار است. آثار او پُر است از معارف و حقایق عرفانی و اندیشه های دینی، زهد، وعظ و تمثیلات تعلیمی که با بیانی شیوا و استوار ادا شده است. وی (به احتمال زیاد) در سال 545 قمری در غزنین وفات یافت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

تولد "هرمان هسه" نویسنده معروف آلمانی (1877 م) هرمان هسه، نویسنده و شاعر آلمانی در دوم جولای سال 1877 م در خانواده ای مذهبی در شهر کالو در جنوب آلمان متولد شد. پدر و مادر او هر دو از مبلغان مذهبی بودند و خود او نیز در ابتدای جوانی به این کار اشتغال داشت. هرمان از نوجوانی، سرودن شعر را آغاز کرد و در 20 سالگی اولین مجموعه شعر خود را منتشر نمود. وی پس از چندی

دست به سفری طولانی به سوی مشرق زمین زد. مدت‌های طولانی در هندوستان در میان جنگل‌ها و بودائی‌ان زیست و با آیین آن‌ها آشنا شد. هرمان هسه به تدریج علاقه شدیدی به وارستگی این مردم پیدا کرد به طوری که در بیشتر آثار خود، عقاید و زندگی آن‌ها را تشریح نموده است. از جمله در داستان سیدارتا، از اساطیر هند الهام گرفته است و این داستان، نمایانگر علاقه مردم غرب به ویژه آلمان به آیین‌های مذهبی شرق می‌باشد. هسه در سال 1945م جایزه ادبی گوته و یک سال بعد، جایزه نوبل را در رشته ادبیات دریافت کرد. هسه مدت‌ها در سوئیس به نشر آثار خویش پرداخت و کتاب‌های متعددی به نگارش درآورد. مایه اصلی داستان‌های او، کشمکش میان مادیات و معنویات و گشودن راهی به سوی خویشستن است. هسه بیش از هر نویسنده دیگری توانسته است از رنج‌های درونی و احساسات و کشمکش‌های روحی، انزوا و زندگی باطنی بشر سخن بگوید. کمال مطلوب از دیدگاه هسه زمانی حاصل می‌شود که همه شکل‌های متفاوت زندگی با یک‌دیگر سازش پیدا کنند و مسائل مادی و معنوی به یک‌دیگر پیوندند. از این دید، هسه معتقد به حل شدن تمدن غرب و شرق در همدیگر بود و این اندیشه، بسیاری از متفکران را نیز با خود همراه کرده است. وی در کتاب بازی مهره‌های شیشه‌ای که به خاطر آن جایزه نوبل گرفت، پیرامون سرزمین کمال مطلوب که در قرن بیست و سوم میلادی رخ می‌دهد سخن گفته است. در این سرزمین، مشتاقان عالم معنا دور از غوغای جهان در آن به سر می‌برند. فلسفه غرب و ریاضت شرق با یک‌دیگر تلفیق شده و حتی مرگ هم مانع پیشرفت آدمی نیست چرا که روح، متوقف نمی‌شود. هسه برخلاف بسیاری از نویسندگان عصر جدید که به بشر جدا از عالم طبیعت اعتقاد دارند و به هر تغییر شکل طبیعت بر حسب فنون علمی می‌نگرند، در آثار خود، راه و شناخت تدریجی بشر را در ارتباط با عالم خلقت می‌نمایند. در واقع آنچه برای هسه که تشنه کشف اسرار عالم هستی است، اهمیت دارد، آن است که تا حد امکان، خود را در قوای مختلفی که بر بشر نفوذ دارد شرکت دهد. از این روست که بیشتر اشخاص داستان‌های هسه کسانی هستند که می‌خواهند خود را به صورتی عمیق بشناسند و برای شناخت درون، از برابر هیچ تجربه‌ای، هر قدر که دشوار و وحشتناک باشد، کنار نمی‌روند و پیوسته در حال تحقیق به سر می‌برند. این تحقیق مداوم از انسانیت محض و این اعتلای اندیشه است که هسه را در ردیف نویسندگانی جای می‌دهد که آثارشان در دسترس فهم عامه مردم نیست، اگرچه مبهم و تاریک شمرده نمی‌شود. هسه نویسنده‌ای صلح‌طلب و گوشه گیر بود که آثار ارزشمند او از قبیل گرگ بیابان، سفر مشرق زمین، شادی نقاش و نظریات سیاسی و... از شهرت فراوانی برخوردارند. هرمان هسه سرانجام در نهم اوت 1962م در 85 سالگی درگذشت.

درگذشت "آنتوان چخوف" داستان‌نویس و نویسنده شمع، روسی (1904م) آنتوان پاولوویچ چخوف نویسنده و داستان‌سرای نامدار روسی در 17 ژانویه سال 1860م در خانواده‌ای فقیر در روسیه به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته پزشکی به پایان رساند و مدت کوتاهی نیز به طبابت پرداخت. ولی با استعداد و علاقه‌ای که به نوشتن داشت، از حرفه خود دست کشید و کار نویسندگی را دنبال کرد. چخوف در مدت کوتاهی، آثار متعددی به نگارش درآورد و به شهرت دست یافت. او در جوانی به مرض سل دچار شد و تا پایان عمر، از این بیماری در رنج بود. از این‌رو به توصیه پزشکان، به جنوب فرانسه رفت و به نوشتن نمایش‌نامه و داستان‌های کوتاه سرگرم شد. در مورد آثار چخوف باید گفت که نوآوری‌های صوری و موضوعی او در هنر داستان‌پردازی، اصول و سنن ادبی را دگرگون کرد. با آن‌که قسمت اعظم آثار چخوف به صورت داستان‌های منثور است، با این حال وی نمایش‌نامه‌نویس، نویسنده چیره‌دستی بود و مهم‌ترین داستان کوتاه‌نویس همه اعصار به شمار می‌رفت. چخوف در صنعت ایجاز و هنر داستان‌نویسی دارای قدرتی شگرف بود و در خلق شخصیت‌های جالب، مهارتی بسزا داشت. او بشردوستی و نیک‌نفسی و خدمت به مردم را نیز وظیفه هر انسان شرافتمند می‌دانست و به طرزی گیرا و دل‌انگیز، این علاقه شدید انسان دوستی در آثارش به چشم می‌خورد. آثار متعدد و متنوع این نویسنده بزرگ روس، پر از لطف و زیبایی و نیز آمیخته با هزل و طنز می‌باشد. چخوف خواننده را در عین حال که می‌خنداند، به فکر و دقت نیز وامی‌دارد و معایب اجتماعی را در نظرش جلوه‌گر می‌سازد. فاجعه در شکارگاه، دهقانان، دکتر بی‌مریض، مرد زود رنج، باغ آلبالو و سه خواهر از جمله آثار مشهور اوست. آنتوان چخوف سرانجام در دوم ژوئیه 1904م در حالی که بیش از 44 سال از عمرش نمی‌گذشت، در اوج شهرت و محبوبیت بر اثر مرض سل درگذشت.